

دیپلمات‌ها



با تحریم به ایران پیام مهمی می فرستیم

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دیروز در جلسه عمومی پارلمان اروپا در استراسبورگ درباره پاسخ ایران به اقدامات متجاوزانه رژیم صهیونیستی طی حملات پهلپادی و موشکی گسترده به اهدافی در اراضی اشغالی، گفت: «ما، همگی حمله ایران را محکوم کرده و تعهدمان نسبت به امنیت اسرائیل را اعلام کردیم. درباره گسترش تحریم‌های موجود علیه ایران اتفاق نظر وجود دارد.» بورل با دفاع از سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپا علیه ایران گفت: «تحریم‌ها ابزار مهمی هستند و ما از آن‌ها برای فرستادن پیام مهمی به ایران درباره فعالیت‌های آن در زمینه اشاعه تسلیحات کشتار جمعی باهدف ثبات‌زدایی در منطقه، استفاده کرده ایم.» او افزود: «اگر چه، باید بدانیم که تحریم‌ها به تنهایی یک سیاست نیستند، تحریم‌ها ابزاری برای اتخاذ یک سیاست هستند، تحریم به خودی خود، ایران را باز نمی‌دارد. این باید پس از سال‌ها تحریم بین‌المللی مشخص باشد. ایران به همراه کره شمالی، کشورهایی هستند که بیشترین تحریم‌ها علیه آن‌ها اعمال شده است. تحریم‌ها به تنهایی نمی‌توانند خطر گسترش تنش‌ها را برطرف کنند و باید جایی برای دیپلماسی در نظر گرفت. اقدام دیپلماتیک باید از اهمیت برابری برخوردار باشد.»



در حال مذاکره مستقیم با ایران نیستیم

معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا درباره شایعات مطرح شده در زمینه آغاز دوباره مذاکرات احیای برجام گفت: «ما در حال مذاکره مستقیم با ایران در مورد برجام، چه در نیویورک و چه در هیچ کجا نیستیم.» ودانت پاتل روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت در کنفرانس خبری خود با وجود رد «مذاکرات مستقیم» با جمهوری اسلامی، از اظهار نظر درباره «مذاکرات غیرمستقیم» با حکومت ایران در زمینه مذاکرات موسوم به احیای برجام خودداری کرد. معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در کنفرانس خبری روز سه‌شنبه همچنین در پاسخ به پرسشی درباره گزارش تازه ایالات متحده از وضعیت حقوق بشر به‌ویژه تهدیدهای مطرح شده علیه روزنامه‌نگاران گفت: «جمهوری اسلامی همچنان یکی از بزرگترین صادرکنندگان تروریسم است و از سال ۱۳۵۷ نشان داده که به آزادی اعتنایی ندارد و همچنان به سرکوب جدی جامعه مدنی، تهدید رسانه‌ها و تضعیف حقوق انسان‌ها ادامه می‌دهد.»



هشدار در مورد خطر سایبری اسرائیل

دبیر شورایی امنیت ملی دیروز در نشست سن‌پترزبورگ به کشورهایی که اجازه استقرار مراکز امنیت سایبری خود را به رژیم صهیونیستی داده‌اند، هشدار داد که با گشودن مرزهای خود برای این رژیم، زیرساخت‌بزرگی برای تهدید امنیتی خود ایجاد کرده‌اند که جاسوسی از مردم و مقام‌هایشان بخش بسیار کوچکی از این خطر است. علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورایی امنیت ملی ایران، یادآور شد: «جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای است که سال‌ها قربانی حملات سایبری متعدد از طرف آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است.» وی با بیان اینکه شما مجاری حمله خطرناک به سایت اتمی جمهوری اسلامی ایران با دافزار استاکس‌نت را به خاطر دارید، گفت: «با توجه به اینکه اکثر سامانه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، به‌ویژه سیستم عامل‌های رایانه‌ها و گوشی تلفن‌های هوشمند متعلق به شرکت‌های آمریکایی است، این کشور از این ابزار سوءاستفاده می‌کند.»

داوری‌های کلیدی

۱ بازنگران منطقه‌ای اصلی‌ترین پیشران رویدادها و روندها هستند، واقعیت‌های میدانی، از جمله پویایی‌های غیرقابل پیش‌بینی منازعه‌های متعدد در خاورمیانه و اراده‌ها، نیت‌ها و ظرفیت‌های طرف‌های متعارض تعیین‌کننده این هستند که نتیجه طراحی‌ها چه خواهد شد.

۲ ایالات متحده آمریکا همچنان مؤثرترین و قدرتمندترین بازیگر خارج از منطقه در خاورمیانه باقی‌مانده است، اما توانایی‌هایش برای تعیین نتایج در منطقه با محدودیت‌های فراوانی مواجه است. ویلیام برنز، رئیس‌اژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA) که به‌تازگی نقش کلیدی در مذاکرات میان حماس و اسرائیل بازی کرده است، سال ۲۰۱۹ در کتاب خاطرات خود با عنوان «گفتگوهای پشت پرده» نوشته‌بود که یکی از اشتباهات سیاست خارجی آمریکا این است که از ابزارهای حداقلی برای رسیدن به نتایج حداکثری استفاده می‌کند. دولت بایدن هم ممکن است همین اشتباه را تکرار کند. این واقعیت که زمان بسیاری طول کشیده است تا آمریکا به نتایج کوتاه‌مدت برسد، نشان می‌دهد که وضعیت جاری تا چه اندازه پیچیده است. این مسئله همچنین نشان می‌دهد که عملی کردن چشم‌انداز تیم بایدن برای صلح خاورمیانه هم تا چه اندازه مشکل خواهد بود. گفتمان سیاست خارجی در طول سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگر معطوف به محدودیت‌های آمریکا بوده است تا توانایی‌های آمریکا برای ظرفیت‌ها و فرصت‌ها.

۳ سیاست ایالات متحده در خاورمیانه به دلیل ناهماهنگی و ادغام نشدن رویکردهای سیاست‌گذاری امنیتی و دیپلماتیک ضربه خورده است. به لحاظ تاریخی دیپلماسی با پشتوانه ابزارهای نظامی و تهدید معتبر استفاده از زور ظرفیت مؤثرتری برای ایجاد ثبات و صلح در میدان داشته است تا عملیات دیپلماتیکی که هیچ پیوندی با منازعه‌ها و تنش‌های میدانی نداشته باشد. در دودهه پس از ۱۱ سپتامبر برای مدت طولانی سیاست آمریکا در خاورمیانه از نظامی‌گری و اولویت دادن به قدرت سخت نسبت به دیپلماسی راهبردی، آسیب دیده است. دولت بایدن تلاش کرده است که در اظهار نظرهای عمومی و ادبیات سیاسی خود به دیپلماسی در سیاست‌گذاری ایالات متحده در خاورمیانه اولویت دهد، اما به دفعات دیده شده که ابتکارهای دیپلماتیک این کشور از ابتدای جنگ حماس و اسرائیل با سیاست‌گذاری‌های نظامی و امنیتی‌اش در منطقه سازگار و همگام نبوده است. علاوه بر این ناتوانی آمریکا در بازدارندگی در مقابل ایران و جلوگیری از حملات بخشی از شبکه شرکای ایران در سراسر منطقه طی شش ماه گذشته نشان‌دهنده شکاف در رویکرد راهبردی ایالات متحده آمریکا بود. بخشی از این چالش، فقدان رویکرد دیپلماتیک با پشتیبانی رویکردی با کفایت امنیتی و نظامی است که بتواند محاسبات‌های دشمنان و رقبا را در مواجهه با آمریکا و شرکایش در منطقه تغییر دهد.

۴ آمریکا همچنین به دلیل دودستگی درونی زمین‌گیر شده است. از آنجا که ۲۰۲۴ سال انتخابات است، رویارویی انتخاباتی ریاست‌جمهوری و رقابت برای کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا در ماه نوامبر سال جاری تقریباً تمامی مسائل مختلف سپهر عمومی از جمله سیاست خاورمیانه‌ای را در قالب خصومت جناحی رقم خواهد زد. هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات ۲۰۲۴ بیش از شش ماه جنگ و تشدید تنش در خاورمیانه نتوانسته است که چارچوب گفت‌وگورا در سپهر سیاسی آمریکا جابه‌جا کند. مرکز ثقل مجادلات سیاسی در آمریکا مسائل داخلی باقی‌مانده است. اقتصاد و مهاجرت مهم‌ترین نگرانی‌های دهندگان عادی در ابتدای سال جاری میلادی بود. اما عدم قطعیت در مورد وضعیت منطقه خاورمیانه و چپان در عین حال پیش‌بینی‌ناپذیری روزافزون در سیاست‌های آمریکا، ممکن است باعث تغییر خیلی چیزها از حال‌اتا نوامبر شود. تمایل قدرتمندی وجود دارد که سیاست خارجی آمریکا به یک موضوع تفرقه‌افکن جناحی در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود. به احتمال زیاد انتخابات اسامال هم تفاوتی نخواهد داشت و حتی ممکن است به دلیل برخی اختلاف‌های شدید بین حزبی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در مورد برخی مسائل مهم خاورمیانه، اسامال این تفرقه شدیدتر هم باشد. صدهای متفاوتی که از این مجادله پیچیده شنیده می‌شود ممکن است که سیگنال‌های متفاوتی به دوستان و دشمنان در خاورمیانه بفرستد و نگرانی نسبت به تغییر دفعتی سوگیری‌ها در آمریکا از ابتدای ۲۰۲۵ ممکن است باعث شود که بازیگران کلیدی همچنان دست خود را تا آن زمان مخفی نگه‌دارند.

۵ سیاست‌گذاری آمریکا در خصوص خاورمیانه تا حد زیادی از استراتژی کلی امنیت ملی آمریکا جدا افتاده است و دولت با چالش‌های زیادی در خصوص ظرفیت دیپلماسی برای پیشبرد رویکرد امنیت‌محلی مواجه شده است. دولت بایدن در حال حاضر با چالش‌های متعدد ظرفیت عملیاتی در سراز و کار امنیت ملی خود مواجه است. این موضوع در کنار فقدان تمرکز راهبردی و اولویت‌بندی روشن در سیاست خارجی، می‌تواند توانایی آمریکا را در پیشبرد استراتژی کلی‌تر تعاملی در خاورمیانه از بین ببرد. جنگ جاری روسیه در اوکراین و اقدام‌های چین در آسیا و سراسر جهان هم وقت و توجه زیادی را از آمریکا گرفته است. تمایلی بنیادین در دولت بایدن برای اجتناب از موضوع‌گیری جلودارانه در رویکردهای نظامی و دیپلماتیکش در سراسر خاورمیانه تا حدی به دلیل مشکلات ظرفیتی ایجاد شده است و ممکن است منازعه‌هایی مانند جنگ اسرائیل و حماس را طولانی‌تر کند. این موضوع می‌تواند باعث شود که برخی از فرصت‌هایی که پیش از ۷ اکتبر دولت بایدن به صورت جلودارانه پیگیری می‌کرد در کوتاه‌مدت مسدود شوند. با استمرار منطقه خاورمیانه بزرگ همچنان بر لبه پرتگاه فروپاشی قرار دارد و هم‌زمان بر دیگر عدم قطعیت‌ها در اروپا و آسیا اضافه می‌شود. بحران کنونی احتمالاً روابط آمریکا را در منطقه برای سال‌های آینده تعیین خواهد کرد.

ترجمه: شهاب‌شهبواری

باعث شد تا پیام‌های متناقضی به جهانیان ارسال شود. فقدان نظم و قانون و غیبت برنامه‌ای مشخص برای حفظ امنیت درون نوار غزه باعث شده است که توزیع کمک‌ها در میدان با مشکلات شدیدی مواجه شود. روز یک آوریل بعد از اینکه حمله هوایی اسرائیل باعث کشته‌شدن ۷ فعال در آشپزخانه مرکزی جهان شد، به سرعت تحولاتی در سیاست‌گذاری کمک‌های بشردوستانه رخ داد. از جمله این تحولات اعلام گشایش یک دالان جدید کمک‌های بشردوستانه توسط اسرائیل بود. با گذر زمان مشخص خواهد شد که آیا اسرائیل به تعهدات جدیدش برای اجازه دادن به گشایش کانال‌های جدید برای ورود کمک به غزه وفادار خواهد بود یا نه.

نتیجه‌گیری: هنوز روشن نیست که آیا تحولات اخیر باعث تغییرات چشمگیر در حل چالش‌های بسیار بزرگ امنیت بشری برای شهروندان عادی غزه خواهد شد یا نه. اولویت اصلی سیاست‌گذاری آمریکا در خصوص جنگ غزه دفاع اسرائیل از خود و تلاش برای نابودی حماس به عنوان تهدید امنیتی و هم‌زمان جلوگیری از توسعه منطقه‌ای جنگ بود. در نتیجه اهداف مرتبط با تضمین حفاظت از جان غیرنظامیان و ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه نسبت به دیگر اهداف، جایگاه پایین‌تری در میان اولویت‌های آمریکا داشتند.

تدوین یک برنامه بازسازی پس از جنگ که به راهکار دودولتی و تسهیل تلاش‌ها برای عادی‌سازی منطقه‌ای منجر شود

نمره کلی سیاست آمریکا: ۱۲

دولت بایدن پیش از ۱۷ اکتبر و جنگ اسرائیل و حماس، تعامل‌های دیپلماتیکش را در خاورمیانه تشدید کرد تا بتواند زمینه را برای یک توافق عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی آماده کند. این آغاز مسیر پیشبرد چشم‌اندازی بود که به ادغام و همکاری بیشتر منطقه‌ای از طریق پروژه‌هایی جدید مانند کریسور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا منجر می‌شد. این کریسور برنامه‌ای بلندپروازانه بود که سپتامبر ۲۰۲۳ در حاشیه اجلاس G۲۰ در هند اعلام شد تا خاورمیانه را بیشتر به شرق آسیا و اروپا پیوند دهد. جیک سالیوان در این دوران بسیار خوشبین بود و می‌گفت: «خاورمیانه اکنون از هر زمان دیگر در دو دهه گذشته آرام‌تر است.» جنگ اسرائیل و حماس بسیاری از این برنامه‌ها را فعلاً به حالت تعلیق درآورده است، اما بازنگرانی که در این برنامه‌ها نقش داشتند، همچنان نسبت به این برنامه‌ها علاقه‌مند هستند. برخی از برآوردهای اولیه برای بازسازی غزه، ازرقامی حدود ۲۰ میلیارد دلار را نشان می‌دهد، انتظار می‌رود که این ارقام افزایش پیدا کنند. اوایل جنگ اسرائیل و حماس، شکاف‌هایی میان آمریکا و شرکای عربش ایجاد شد، چراکه آمریکا از هدف نابودی تهدید حماس حمایت می‌کرد و شرکای عرب آمریکا خواستار آتش‌بس فوری بودند. وزرای خارجه عربستان سعودی، اردن و دیگر کشورهای کلیدی عرب و مسلمان، نگرانی‌های دیپلماتیک خود را از جمله به مقصد واشنگتن آغاز کردند و خواستار آتش‌بس شدند. دولت بایدن تلاش‌ها را برای پیش‌برد یک برنامه بلندمدت که به آینده یک راهکار دودولتی برای پایان دادن به منازعه فلسطین و اسرائیل منجر شود، آغاز کرده‌بود. رهبران کنونی اسرائیل، از جمله بنیامین نتانیاهو، این هدف را رد کرده‌اند و گفته‌اند که «هدیه‌ای بزرگ برای تروریسم» محسوب می‌شود. دیگر بازیگران منطقه‌ای مانند حماس و ایران نیز ایده دودولتی را رد کرده‌اند. این واقعیت که تلاش برای رسیدن به یک توافق آتش‌بس موقت دیگر تا این حد طول کشیده است، باعث می‌شود که با دیده تردید نسبت به انتظارهای بلندمدت نگاه کرد. واقعیت دردناک خاورمیانه امروزی این است که بسیاری از بازیگران سراسر منطقه از جمله ایران و برخی از رهبران و جناح‌های فلسطینی و اسرائیل کنونی خواستار مانع‌تراشی در مقابل دیپلماسی ظرفی هستند که با هدف پایان دادن به جنگ و ایجاد مسیری به سمت مذاکرات صلح طراحی شده است.

نتیجه‌گیری: تلاش ایالات متحده برای ایجاد مسیری میان وضعیت کنونی و دیپلماسی منطقه‌ای برای پیشبرد راهکار دودولتی، عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل و دیگر اقدام‌های مرتبط با صلح و ادغام، همچنان در مراحل اولیه خود قرار دارد. تحولات افکار عمومی در سراسر منطقه در نتیجه جنگ غزه باعث می‌شود تا رسیدن به اهداف بلندمدت‌تر مشکل شود. یکی از عناصر غایب در سیاست آمریکا چارچوب دیپلماتیک منسجم برای سرازمان‌دهی اقدام جمعی شرکای منطقه‌ای و جهانی است. ایجاد ائتلافی منسجم میان این شرکای منطقه‌ای در شرایط منازعه سهل‌الوصول نیست. شرایط کنونی با سال ۲۰۱۴ که می‌شد گروهی را از شرکای کلیدی عربی برای مبارزه با داعش گرد هم آورد، متفاوت است. چشم‌انداز منطقه‌ای و ژئوپلیتیک با شرایط سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ که ائتلاف متفاوتی برای بیرون کردن عراق از کویت ایجاد شد هم متفاوت است. ایالات متحده آمریکا در گذشته نیز با شرکای کلیدی‌اش در مورد رویکردش نسبت به خاورمیانه، از جمله در جنگ ۲۰۰۳ عراق، بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و توافق هسته‌ای با ایران در سال ۲۰۱۵ دچار اختلاف شده است. برخلاف ایجاد ائتلاف منطقه‌ای برای مبارزه با داعش در سال ۲۰۱۴ که از حمایت قوی منطقه‌ای برخوردار شد، جنگ کنونی بین اسرائیل و حماس باعث می‌شود که روابط آمریکا با جهان عرب مادامی که نبرد ادامه داشته باشد، با محدودیت مواجه شود. این جنگ می‌تواند مسیر رسیدن به چشم‌انداز صلح و ادغام منطقه‌ای را نیز با ابهام مواجه کند.

یکی از اشتباهات سیاست خارجی آمریکا این است که از ابزارهای حداقلی برای رسیدن به نتایج حداکثری استفاده می‌کند.

دولت بایدن هم ممکن است همین اشتباه را تکرار کند. این واقعیت که زمان بسیاری طول کشیده است تا آمریکا به نتایج کوتاه‌مدت برسد، نشان می‌دهد که وضعیت جاری تا چه اندازه پیچیده است. این مسئله همچنین نشان می‌دهد

که عملی کردن چشم‌انداز تیم بایدن برای صلح خاورمیانه هم تا چه اندازه مشکل خواهد بود

تسهیل ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه

نمره کلی سیاست آمریکا: ۹

جوبایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، یک هفته پس از پایان جنگ، دیوید ساترفیلد، دیپلمات کارکننده آمریکایی را به‌عنوان فرستاده ویژه در مسائل بشردوستانه خاورمیانه منصوب کرد. ممکن است که میزان کمک‌های بشردوستانه‌ای که به غزه رسیده است نسبت به آنچه ممکن بود اتفاق بیفتد، در نتیجه تلاش‌های دیپلماتیک زودهنگام آمریکا بهبود یافته باشد اما این کمک‌ها به شکل قابل توجهی برای تامین نیازهای فلسطینیان ناکافی هستند. وضعیت وخیم انسانی که برای فلسطینیان ساکن غزه پیش آمده است، باعث شد تا دولت بایدن چهار ماه پس از آغاز جنگ رویکرد جدیدی را در پیش بگیرد. سازمان‌های بین‌المللی و نهاد‌های بشردوستانه در مورد احتمال وقوع قحطی هشدار داده‌اند و گزارش‌هایی وجود دارد که کودکان فلسطینی بر اثر سوءتغذیه جان می‌دهند. اژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده اوایل بهار ۲۰۲۴ تأیید کرد که قحطی در شمال نوار غزه اتفاق افتاده است. ایالات متحده آمریکا با همکاری اردن در ماه مارس ارسال کمک‌های بشردوستانه را از طریق پرتاب محموله‌های هوایی آغاز کرد و برنامه‌هایش را برای ایجاد یک بندر موقت برای ارسال کمک‌های بشردوستانه اعلام کرد. بخش بزرگی از اختلاف عمیق میان ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در خصوص عملیات زمینی غزه به دلیل نگرانی‌ها در مورد حفاظت از جان غیرنظامیان و ارسال کمک‌های بشردوستانه است. ونوهای مکرر آمریکا در رای به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که خواستار اولویت دادن به ارسال کمک‌های بشردوستانه به فلسطینیان ساکن غزه می‌شد، به‌رغم توضیح مقام‌های آمریکایی در این مورد که ونو به دلیل ادبیات پیش‌نویس قطعنامه‌ها اتفاق افتاده است و نه به خاطر مخالفت با کمک‌های بشردوستانه،

دارند. سیاست آمریکا نسبت به ایران یکی از ضعیف‌ترین حلقه‌های زنجیره رویکرد آمریکا در قبال خاورمیانه باقی‌مانده است. هم‌زمان با افزایش تعامل دیپلماتیک دولت بایدن در خاورمیانه، ایران همچنان از طریق برنامه هسته‌ای‌اش، اقدام‌های بی‌ثبات‌ساز منطقه‌ای، حمایت از تروریسم، سرکوب مردم کشورش و افزایش تلاش‌ها برای تولید پهپادهای ارزان قیمت و ارائه آنها به بازیگران منطقه‌ای، چالشی برای ثبات و نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود. حمله ایران به اسرائیل در ۱۴ آوریل و شلیک بیش از ۳۵۰ پهپاد و موشک از خاک ایران نمایانگر تحول به سمت رویارویی علنی‌تر بین دو طرف بود که تا پیش از این در یک جنگ سایه‌و از طریق گروه‌های نیابتی برای سال‌ها باهم مقابله کرده بودند. این تا حد زیادی غیرمؤثر بود و تقریباً تمامی پهپادها و موشک‌ها رهگیری و منهدم شدند.

نتیجه‌گیری: ایالات متحده تاکنون جلوی جنگ گسترده‌تر متعارف را گرفته است، اما در مجموع با توجه به تعداد بازیگران دولتی و غیردولتی که علیه آمریکا و متحدانش تهدید محسوب می‌شوند، امنیت در خاورمیانه در وضعیت افول قرار دارد. دولت بایدن هم تلاش کرده است تا در مقابل ایران و شبکه نیروهای نیابتی‌اش از طریق استفاده هفندقم از زور بازدارندگی ایجاد کند و هم‌زمان موضع کاهش تنش را مطرح کند، اما هنوز مشخص نیست که آیا این دوهدف «بازدارندگی» و «کاهش تنش» با یکدیگر سازگار باشند.

تضمین جان غیرنظامیان

نمره کلی سیاست آمریکا: ۱۱

براساس بسیاری از تخمین‌ها در شش ماه ابتدای جنگ اسرائیل و حماس بیش از ۳۰ هزار فلسطینی کشته شدند. تعداد فلسطینی‌هایی که در چند هفته ابتدایی بمباران هوایی غزه جان باختند از مجموع فلسطینی‌هایی که از سال ۲۰۰۵ پس از عقب‌نشینی اسرائیل از این‌رایکه، در تمام جنگ‌ها کشته شدند، بیشتر بود. حتی در شرایطی که بایدن و تعدادی از مقام‌های بلندپایه دولت او، از جمله لوید آستین، وزیر دفاع به اسرائیل در خصوص تکرار اشتباه‌هایی که آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر مرتکب شد، هشدار داده بودند، دولت بایدن، ابتدا برای ابراز نگرانی در خصوص نحوه اداره جنگ توسط اسرائیل به‌خصوص در مورد تلفات غیرنظامی، بی‌میل به نظر می‌رسید. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا، ماه نوامبر در مصاحبه‌ای در پاسخ به این سوال که آیا اسرائیل قوانین جنگی را رعایت می‌کند، حاضر به پاسخ‌گویی نشد و گفت، حاضر نیست ائتلافی یا هیئت منصفه را برای «بازی» کند. در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۴ تعدادی از مقام‌های دولت بایدن به شکل روزافزونی نسبت به افزایش تعداد تلفات غیرنظامیان فلسطینی در غزه واکنش نشان می‌دادند و به همین دلیل است که رویکرد کنونی کاملاً شکست نخورده است. علاوه بر این دولت بایدن در فصل بهار گام‌هایی برداشت تا هزینه اقدام‌های خشونت‌آمیز را توسط اسرائیلی‌ها در کرانه باختری افزایش دهد، از جمله این گام‌ها اعمال تحریم‌هایی علیه شهرک‌نشینان غیرقانونی در کرانه باختری بود که اقدام‌های ضدامنیتی انجام می‌دادند. این اقدام‌ها در واکنش به تشدید خشونت‌ها در کرانه باختری بود که پس از آغاز جنگ غزه شروع شده بود.

نتیجه‌گیری: تلفات بالا در میان غیرنظامیان غزه نتیجه عوامل مختلف از جمله تاکتیک‌هایی است که حماس برای اجرای عملیات در مناطق شهری با تراکم جمعیتی بالا اتخاذ می‌کند و در عین حال نتیجه رویکرد اسرائیل به نبرد است. ایالات متحده تلفات غیرنظامی را نسبت به دیگر اهدافی که در ابتدای جنگ داشت در فهرست اولویت‌هایش در جایگاه بالایی قرار نداده است، اما این موضوع در هفته‌های اخیر ممکن است تغییر کرده باشد.